

# کودکی عزلت‌وار در کروزو و ادبیات رهایی‌ساز

سمیرا صادقیان\*



\* اسیر گهواره

\* نوشته کریستین بوین، ترجمه مهوش قویمی

\* انتشارات آشیان، چاپ اول، ۱۳۸۷

او در *اسیر گهواره* به هزار شیوه گوناگون این زیبایی را بیان می‌کند. هر بار به نوعی، با اختلافی جزئی. شعر و تصویر را به هم می‌آمیزد و دریچه‌ای را به روی ما می‌گشاید؛ از کودکی خود و شهری که در آن ساکن است. محیط زندگی‌اش را همچون دنیایی وسیع و سراسر امکان توصیف می‌کند برای آنها که نگاه کردن، می‌دانند.

مثل همیشه از آسمان، پرندگان و گل‌ها با ما سخن می‌گوید؛ چیزهایی که ساده و زیبایی‌مند. او برای چشاندن طعم «نفوذ در روح و جان» به همگان، به یک نقاش بدل می‌شود، به یک آهنگساز و یک عطرساز. بوی کروزو در این شعر یک «عطر» است؛ رایحه‌ای

«*اسیر گهواره*» ستایشی است از کروزو، زادگاه نویسنده. شهری کوچک و دورافتاده که زندگی اغلب اهالی‌اش از کار طاقت‌فرسا در کارخانه تأمین می‌شده، کارخانه‌ای که با بسته شدنش زندگی مردم شهر را نیز به بن‌بست رسانده است. این کتاب روایت زندگی خود اوست از کودکی در این شهر ابتدایی و دورافتاده که قناعت و فقر را به خود دیده است؛ از یک سیر درونی که این فرصت را برایش فراهم کرد تا از محبس خود خارج شود آن هم با نویسندگی. *کریستین بوین* <sup>۲</sup> به ما می‌آموزد که چطور در لایه زیرین هر چیز می‌توان زیبایی و روشنایی را دید حتی در ساده‌ترین چیزها؛ و چطور می‌توان این زیبایی و روشنایی را در درون خود کشف کرد.



ابتدای سال‌های ۱۹۸۰ به چاپ رسید، تنها اندک مخاطبانی را به خود جلب کرد. آنچه موفقیت را برایش رقم زد کتابی بود که به سنت - فرانسوا داسیز<sup>۹</sup> اختصاص یافته بود به نام «خیلی پایین» که در سال ۱۹۹۳ جایزه دو ماگو<sup>۱۰</sup> را کسب کرد. در ۱۹۹۶ «بالا تر از زندگی» را نوشت؛ این کتاب تجلی بود از دوستش ژیسلن<sup>۱۱</sup>

که در ۴۴ سالگی از دنیا رفت. در سال ۲۰۰۵ «اسیر گهواره» را به چاپ رساند.

کتاب‌هایش همگی کوتاه و موجز و نمایانگر تابلوهای کوچکی هستند که در یک لحظه جمع شده اند همچون تکه‌های پازل. همانطور که خودش می‌گوید: «زندگی‌ام در کتاب‌ها سپری شده، به دور از دنیا، و بدون اینکه بدانم با مطالعاتم همان کاری را کردم که پرندگان از روی غریزه با شاخه‌های درخت؛ آنها را می‌شکنند و می‌سایند تا شاخه نازکی را جدا کنند که به زودی به دیگر شاخه‌ها می‌پیوندد و لانه‌شان را می‌سازد.»

او تا کنون بیش از سی کتاب منتشر کرده و آخرین اثر او به نام «کتابخانه ابرها» در سال ۲۰۰۶ انتشار یافته است.

### پی‌نوشت:

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فرانسه

1. Prisonnier au berceau
2. Creusot
3. Christian Bobin
4. Christian Bobin
5. Creusot
6. Autun
7. Ecomusée
8. Milieu
9. Saint-François d'Assises
10. Deux Magots
11. Ghislaine

از طراوت گل‌های تازه چیده شده. او همچنین شاعر است، شاعر چیزهای ساده. با ورود به دنیای او، جملاتی را کشف می‌کنیم که مدت‌ها در وجودمان زندگی کرده‌اند. سخنانی که در عین سادگی، حیرت‌آورند. تنها کار او، آوردن آنها از اعماق به سطح است.

این نویسنده عارف‌مشرّب، رؤیای آن دارد که «مهربانی و احسان به اندازه شر و شرارت قابل رشد و پرورش باشد». در بیان او یأس و ناامیدی جایی ندارد. او با نگاهی سرشار از امید به دنیا می‌نگرد؛ نگاهی که توضیحی است بر چگونگی رسیدن او به آفرینش، به نویسندگی. و از این جهت می‌توان آن را سرمنشأ کتاب‌های دیگر او دانست که همگی دنیا را از دریچه‌ای تازه و زیبا می‌نگرند.

تاکنون بسیاری از آثار این نویسنده به فارسی ترجمه شده است، از جمله: زن آینده، ابله محله، ایزابل بروژ، دیوانه‌وار، دل‌باختگی و ... به تازگی نیز مهوش قویمی با ترجمه «اسیر گهواره» این فرصت را در اختیارمان قرار داده است تا از زیبایی‌های دنیای بوبن لذت ببریم. ترجمه، با نوشتاری عالی، یکدست، ساخته و پرداخته و ساده یک بوبن واقعی را به ما نشان می‌دهد.

کریستین بوبن<sup>۴</sup> در ۲۴ آوریل سال ۱۹۵۱ در کروزو<sup>۵</sup> به دنیا آمد. شهری که هرگز آن را ترک نکرد.

کودکی‌اش را در تنهایی گذراند و بیشتر ترجیح داد وقتش را با کتاب بگذراند.

بعد از آنکه تحصیلاتش را در رشته فلسفه به پایان رساند، دست به کارهای زیادی زد: مدتی در کتابخانه شهرداری آنان<sup>۶</sup> مشغول بود، سپس در اکوموزه<sup>۷</sup> کروزو و در آخر هم در مجله میلیو<sup>۸</sup> نویسندگی می‌کرد. اولین نوشته‌هایش که در

